



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مالکیت معنوی

تاریخ: ۲۶ آذر ۱۴۰۴

موضوع جزئی: مقدمات - مقدمه هفتم: موضوع مالکیت فکری -

مصادف با: ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۴۷

بررسی امکان مالیت براساس دیدگاه‌های هفت‌گانه درباره مالکیت معنوی -

بررسی امکان بر طبق دیدگاه دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم - نتیجه بحث در مقام ثبوت

سال اول

جلسه: ۲۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در امکان مالیت موضوع مالکیت فکری یا معنوی بود. ما معنای مال و مالیت را بیان کردیم و گفتیم براساس تعریف مختار، مال عبارت از چیزی است که عقلاً نسبت به آن رغبت داشته باشد و حاضر باشند به ازاء آن ثمن و عوض بپردازند. این دو ویژگی موجب انطباق عنوان مال بر شیء می‌شود؛ بر این اساس، مالیت هم مفهومی است که از شیء دارای این دو ویژگی انتزاع می‌شود. بعد گفتیم باید با این معیار ببینیم موضوع مالکیت معنوی بر طبق دیدگاه‌های هفت‌گانه، مال محسوب می‌شود یا نه؛ مالیت دارد یا نه. دو دیدگاه را در جلسه گذشته بررسی کردیم؛ گفتیم بر طبق دیدگاه اول و دوم، موضوع مالکیت معنوی می‌تواند مالیت داشته باشد؛ یعنی امکان مالیت را بر طبق دیدگاه اول و دوم پذیرفتیم.

بررسی امکان بر طبق دیدگاه سوم

دیدگاه سوم این بود که موضوع مالکیت معنوی یا فکری، فعل و عمل شخص پدیدآورنده اثر است. یعنی کار و فعل و عمل یک مؤلف یا مخترع، موضوع مالکیت فکری یا معنوی است. عمل تألیف که در یک زمانی اتفاق می‌افتد، حالا این عمل ممکن است شامل فکر و اندیشه و در عین حال بعضی کارهای جوارحی باشد. گرچه فعل و عمل بیشتر ظهور در فعل جوارحی دارد؛ بالاخره عمل نوشتن و آنچه به وسیله قلم روی کاغذ می‌آورد، حاصل تراوش فکری اوست؛ یا اگر وسیله‌ای را اختراع می‌کند، بالاخره کارهایی را انجام می‌دهد و اجزاء و قطعاتی را کنار هم قرار می‌دهد. لذا موضوع مالکیت معنوی یا فکری، عمل و فعل اوست. حال آیا فعل و عمل پدید آورنده اثر، این دو ویژگی را دارد یا نه؟ یعنی آیا عقلاً رغبت به آن دارند و حاضر هستند به ازاء آن عوض بپردازند؟

به نظر می‌رسد این دو ویژگی در فعل و عمل مخترع و مؤلف وجود دارد. بالاخره کار او دارای ارزش است؛ وقتی کسی اجیر می‌شود و فعل و کار و عملش را در اختیار دیگری قرار می‌دهد (که این می‌تواند از ساده‌ترین کارها باشد تا پیچیده‌ترین کارها)، بالاخره عقلاً نسبت به این فعل و عمل رغبت دارند و حاضر هستند به ازاء آن ثمن و عوض بپردازند. وقتی این دو ویژگی در چیزی وجود داشته باشد، آن چیز می‌تواند مال باشد. اگر چیزی مال بود، ما می‌توانیم مفهوم مالیت را از آن انتزاع کنیم. لذا امکان مالیت و مال بودن بنابر دیدگاه سوم در موضوع مالکیت معنوی یا فکری، وجود دارد.

بررسی امکان بر طبق دیدگاه چهارم

در دیدگاه چهارم، موضوع مالکیت معنوی عبارت از فکر و اندیشه است. فکر و اندیشه چیزی است که در اذهان انسان‌ها

وجود دارد؛ ایده چیزی است که در ذهن بشر وجود دارد. ایده و اندیشه و فکر در گذشته مورد توجه نبوده که مال و مالیت دارد یا نه؛ چون عمده توجهات و حقوق، مربوط به چیزهایی بوده که به صورت ملموس و قابل اشاره حسی بودند. در گذشته این امر به عنوان شیء دارای این دو ویژگی شناخته نشده است؛ ... البته ایده که می‌گوییم، غیر از ابتکار و خلاقیت است؛ منظور همان فکر و اندیشه است. آیا این دو ویژگی در ایده هست؟ یعنی می‌توانیم بگوییم عقلاً نسبت به فکر و اندیشه رغبت دارند و حاضر هستند به ازاء آن عوض بپردازند؟

این مطلب محل بحث و اختلاف است. برخی معتقدند ایده و فکر و اندیشه حاصل عنایت و الهام لطف خداست و این چیزی نیست که بخواهد به ازاء آن دریافتی صورت بگیرد یا عقلاً حاضر باشند به ازاء آن چیزی بپردازند. لذا برخی معتقدند خود فکر و اندیشه نمی‌تواند مال باشد. شاید بگویند نتیجه و حاصل فکر این ویژگی را دارد، ولی خود فکر قابلیت مالیت ندارد. در این اختلاف است و جای بحث دارد که آیا واقعاً خود فکر و اندیشه می‌تواند مالیت داشته باشد یا نه.

بعید نیست که ما بتوانیم فکر و اندیشه را مال بدانیم مثل آنچه که الان مرسوم است و کسانی اندیشه‌ها و افکارشان را می‌فروشند؛ البته نتیجه و ابتکار و اثر مادی ناشی از این فکر و اندیشه را ... آنها توجیه پذیرتر است؛ اما پذیرش فکر و اندیشه به عنوان چیزی که عقلاً حاضر باشند در برابر آن پول بدهند، مشکل است. ضمن اینکه ما امکان آن را رد نمی‌کنیم.

بررسی امکان بر طبق دیدگاه پنجم

در دیدگاه پنجم، موضوع مالکیت فکری یا معنوی، هیأت حاصل از فکر و اندیشه است که در قالب یک اثر مادی ظاهر می‌شود. مثلاً آن فکر و اندیشه‌ای که مؤلف دارد، نتیجه‌اش می‌شود هیأتی که کلمات و واژه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و پاراگراف و فصل و گفتار و بخش پدید می‌آید و این در قالب یک اثر مادی بروز و ظهور پیدا می‌کند که ما به آن کتاب می‌گوییم. این غیر از دیدگاه اول است که عین جزئی خارجی موضوع است؛ غیر از دیدگاه دوم است که براساس آن عین کلی موضوع است. طبق این دیدگاه، نحوه چینش و کیفیت قرار گرفتن کلمات و واژه‌ها یا اجزاء در کنار هم که منتهی به یک کتاب یا اختراع می‌شود، موضوع مالکیت معنوی است. آیا این قابلیت مالیت دارد؟ هیأت و نحوه چینش این اجزاء در کنار هم که یک دستگاه شده، مالیت دارد؟

صرف نظر از اینکه این نگاه و دیدگاه درست است یا نه (چون جای تأمل دارد که این هیأت موضوع این مالکیت باشد؛ بالاخره این یا برمی‌گردد به آن عین یا برمی‌گردد به ابتکار و ایده) می‌توانیم بگوییم مالیت دارد. یعنی این هیأتی که بروز و ظهورش در قالب این دستگاه بوده، اولاً چیزی است که عقلاً به آن رغبت دارند و ثانیاً حاضر هستند به ازاء آن عوض و ثمن بپردازند. لذا امکان مالیت طبق این دیدگاه وجود دارد.

بررسی امکان بر طبق دیدگاه ششم

بر طبق دیدگاه ششم که موضوع مالکیت معنوی ابتکار، خلاقیت یا ایده است، باید ببینیم آیا آن دو خصوصیت بر این امر منطبق است یا نه. این ایده و ابتکار و این خلاقیت، آیا چیزی است که عقلاً به آن رغبت داشته باشند و حاضر باشند به ازاء آن ثمن بپردازند؟

گاهی ما این ایده و ابتکار و خلاقیت را به عنوان فعل و عمل یک شخص در نظر می‌گیریم، که این بازگشت به دیدگاه سوم می‌کند. همین الان در دنیا مرسوم است که شرکت‌های بزرگ یک گروهی دارند که دائماً در حال فکر هستند، ایده تولید کنند و

ابتکار به خرج بدهند و محصولات این شرکت را به روز کنند و در نهایت مشتری‌ها را به سوی خودشان جذب کنند. گروهی که در یک مجموعه استخدام می‌شوند تا این کار را بکنند، در واقع فعل و عمل آنها در خدمت کارفرما قرار گرفته است؛ فعل و عمل یعنی ایده‌سازی، ایده‌پردازی، برنامه دادن، ابتکار و خلاقیت نشان دادن؛ این در واقع در قالب همان فعل و عملی است که در خدمت کارفرما قرار می‌گیرد؛ حتی چه بسا برای این ایده‌پردازی‌ها و ابتکارات و خلاقیت‌ها، حقوق‌های بیشتری نسبت به سایرین می‌دهند؛ چون قلب یک مجموعه این است که کار و محصول جدید ارائه بدهد. اگر ما این را از زاویه فعل و عمل مخترع و مؤلف و پدیدآورنده اثر ببینیم، ملحق به دیدگاه سوم است که مالیت آن مورد پذیرش است و آن فعل و عمل به عنوان مال شناخته می‌شود؛ حالا اینکه چگونه، این بحث دیگری است. اما اگر بحث فعل و عمل یک شخص نباشد و خود همان ایده و ابتکار مورد نظر باشد، در این صورت دارای آن دو ویژگی است. بالاخره کسانی که به اهمیت کارشان واقف هستند، در مقابل این ایده‌ها و ابتکارات و خلاقیت‌ها حاضر هستند عوض بدهند و رغبت به سوی آن دارند. لذا طبق دیدگاه ششم هم امکان مالیت نسبت به موضوع مالکیت معنوی وجود دارد.

بررسی امکان بر طبق دیدگاه هفتم

طبق دیدگاه هفتم که اطلاعات موضوع مالکیت معنوی است یا انتقال پیام (البته انتقال پیام با اطلاعات تفاوت دارد، اما با مسامحه اگر اینها را یکی ببنداریم)، آیا ویژگی‌های دوگانه بر آن منطبق است یا خیر؟ یعنی این اطلاعات یا انتقال پیام ... بالاخره کسی که تألیف کرده، قصد داشته که پیامی را به دیگران برساند. این هم قابلیت مالیت دارد؛ چون عقلاً نسبت به چنین چیزی رغبت دارند و حاضر هستند به ازاء اطلاعات، عوض و ثمن بدهند؛ رغبت و گرایش و میل نسبت به اطلاعات و آگاهی‌ها وجود دارد. وقتی این دو خصوصیت و ویژگی در موضوع مالکیت معنوی هست، می‌توانیم بگوییم قابلیت مالیت دارد و امکان مالیت هست.

ما خیلی گذرا به این دیدگاه‌ها اشاره کردیم؛ ملاحظه فرمودید که امکان مالیت تقریباً در همه این دیدگاه‌ها وجود دارد؛ فقط در مورد دیدگاه چهارم و به نوعی دیدگاه ششم، طبق بعضی احتمالات اینها شاید قابلیت مالیت نداشته باشند؛ اما در مورد وجوه دیگر، امکان مالیت وجود دارد. لذا امکان مالیت و قابلیت مالیت در موضوع مالکیت فکری یا معنوی، تقریباً وجود دارد.

نتیجه بحث در مقام ثبوت

حالا بعد از اینکه امکان مالیت، امکان حق بودن و امکان ملکیت در موضوع مالکیت معنوی ثابت شد، باید ببینیم موضوع مالکیت معنوی چیست. آیا از نوع ملکیت است یا حق؟ اگر حق است، حق مالی است؟ شما ملاحظه فرمودید هم ملکیت را می‌توانیم در مورد موضوع مالکیت معنوی تصویر کنیم و هم حق بودن را؛ پدید آورنده اثر، هم می‌تواند نسبت به اثر مالک باشد و هم ذو الحق. البته در بعضی دیدگاه‌ها، ملکیت تکوینی و ذاتی است و در برخی دیدگاه‌ها اعتباری است؛ ولی امکان آن فی‌الجمله وجود دارد. این مرحله تعیین کننده و نهایی بحث از موضوع مالکیت معنوی است؛ ما هنوز وارد ادله نشده‌ایم و فعلاً در مقدمات هستیم و چه بسا مهم‌ترین مقدمه، همین مقدمه هفتم است، چون می‌خواهیم ببینیم پدیدآورنده اثر نسبت به اثر، چه رابطه‌ای دارد؛ نسبت آنها، نسبت مالک و مملوک است یا ذو الحق و حق؟ هر کدام از اینها باشد، آیا یک چیزی است که مالیت یا نه؟ چون حق می‌تواند مالی باشد یا غیرمالی؛ ملک هم همین‌طور؛ انسان می‌تواند مالک چیزی باشد که مال نیست و می‌تواند مالک چیزی باشد که مال است. گاهی ممکن است انسان مالک یک شیء باشد که آن شیء مالیت ندارد. این بحث‌هایی که ما

مطرح کردیم، چند بار هم تأکید کردیم که اینها به حسب مقام ثبوت است؛ یعنی به حسب مقام ثبوت، امکان مالکیت و امکان حق بودن و امکان مالیت باید تصویر شود و بعد از بحث ثبوتی، باید ببینیم کدام یک از این دیدگاه‌های هفت‌گانه قابل قبول است و بعد به تبع آن ببینیم رابطه و نسبت پدیدآورنده با خود آن اثر، نسبت صاحب حق است یا نسبت مالکیتی است؛ بعد هم مسئله مالیت را باید معلوم کنیم. این بحثی است که هفته آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»